

تاثیر فن آوری اطلاعات مکانی در رسیدگی قضایی ایران و امریکا

نوع مقاله پژوهشی

رضا حیدری آقا گلی^۱، علی نجفی توانا^{۲*}، علیرضا میرانی^۳، جواد طهماسبی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

صفحات: ۸۷-۱۰۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تاثیر فن آوری اطلاعات مکانی در رسیدگی قضایی ایران و امریکا بر اساس استنادپذیری داده های سنجش از راه دور بود. صدور آراء اشتباه امری اجتناب ناپذیر در تمامی نظام های قضایی دنیاست. در چنین شرایطی رسالت عدالت کیفری ایجاب می کند تا به منظور جلوگیری از تضییع حقوق طرفین دعوا سازوکاری کارآمد را تعبیه کند. این ساز و کار در حقوق ایران اعاده دادرسی و در حقوق آمریکا نظام تخصصی رسیدگی به ادعای بی گناهی محکومان است. مبانی این ساز و کار در حقوق کیفری ایران براساس نفع عمومی و مطابق با قوانین و چارچوب اسلامی می باشد ولی در حقوق آمریکا براساس فردگرایی می باشد. در هر دو نظام حقوقی در این راستا چالش هایی دیده می شود؛ یکی از چالش های اساسی در بحث اعاده دادرسی صدور آراء اشتباه است که قاضی با توجه به مستندات به صدور این حکم می پردازد و لذا در این پژوهش از سنجش از راه دور به عنوان ابزاری در جهت کمک به تصمیم گیری بهتر در برخی امور کیفری پرداخته شد و بیان گردید که در بسیاری از کشورهای جهان که مباحث و چالش های حقوقی دارند از سنجش از راه دور به عنوان ابزاری با خطای پایین و دیتاهای با پشتوانه علمی استفاده می شود. در نتیجه ماهواره ها و دیگر فناوری های سنجش از راه دور، در حال ایجاد انقلابی در توانایی های ماست تا با ادراکی فراتر از حواس خود، با دقت به دورترین نقاط جهان بنگریم و شواهد قانونی قابل اعتماد و ارزانی کسب کنیم که در برخی موارد می توانند تنها ادله موجود باشند؛ بنابراین، موارد فوق در کنار سایر دلایل، بازنگری در مورد استفاده از اطلاعات مذکور به عنوان مدرک و توجه به راه های افزایش استفاده از آنها در زمینه های حقوقی را به موقع و ضروری می نماید.

واژگان کلیدی: سنجش از راه دور، اعاده دادرسی، امور کیفری، فناوری اطلاعات.

۱. گروه حقوق جزاء و جرم شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبى، امارات متحده عربی

r.heydari6370@iau.ac.ir

۲. گروه حقوق جزاء و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

dralinajafitavana@iau.ac.ir

۳. گروه حقوق جزاء و جرم شناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. گروه حقوق جزاء و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

با پیشرفت علم و فناوری اطلاعات، سیستم قضایی کشور تمام سعی خود را بر آن داشته تا بتواند زیرساخت‌های لازم برای انجام خدمات قضایی در فضای مجازی به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و کم کردن حجم پرونده‌های قضایی را فراهم کند. این زیرساخت‌ها دارای دو بعد است. یک بعد آن حقوقی است و بعد دیگرش زیر ساخت فنی است (کریمی، ۲۰۲۱). اگرچه در گذشته فرض براین بود که قاضی مصون از خطا و لغزش است و حکم صادره توسط وی عین حق و عدالت می باشد. ولی امروزه، این اندیشه و با ارتقاء سطح دانش و آگاهی بشر و به موازات آن، با توسعه علم قضا و قضاوت، اعتبار و صلابت پیشین خود را از دست داده است و این تفکر ظهور پیدا کرده است که هرچند قاضی مشرف به تمام امور باشد با این حال وی یک انسان است و به حکم انسان بودنش همواره در معرض لغزش و خطا قرار دارد. با وجود تمام دقت و احتیاطی که در رسیدگی و صدور رأی دادگاه به عمل می‌آید، باز هم احتمال اشتباه در آراء صادره وجود دارد. لذا تقریباً در تمام نظام‌های قضایی، دست کم یک نوبت بازبینی آراء از سوی مراجع بالاتر پیش بینی شده تا هم امکان اصلاح اشتباهات احتمالی فراهم شود و هم دقت قضایی نخستین به لحاظ اینکه از نظارت مراجع بالاتر بر چگونگی کار خود آگاه است افزایش یابد و اشتباهات احتمالی از همان ابتدا به حداقل ممکن کاهش یابند؛ تجدیدنظر و طرق فوق العاده اعتراض به آراء قضایی محاکم دادگستری از مباحث مهم و عمده قوانین راجع به محاکمه و مجازات می باشد (کوزیاکاس^۱ و

همکاران، ۲۰۱۷). راه‌های اعتراض و تجدیدنظر نسبت به آراء محاکم دادگستری به راه‌های عادی و عمومی و طریقه فوق العاده یا استثنایی تقسیم می‌گردند. طرق فوق العاده اعتراض به احکام کیفری نیز راه‌های قانونی و استثنایی هستند که بعد از قطعی شدن حکم میتوان دوباره به احکام جزایی رسیدگی نمود تا چنانچه اشتباهی در جریان دادرسی صورت گرفته باشد، مرتفع شود. طرق فوق العاده اعتراض به آراء کیفری به این منظور از سوی قانون گذار پیش بینی شده است تا رأی دادگاه‌ها، از خطای احتمالی، مصون بماند و اعاده اعتراض به آراء کیفری یکی از حقوق اصحاب دعوا در کشور ماست که در موارد اضطراری و فوق العاده میتواند به فریاد صاحب حق برسد (ردل^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به عنوان یک ابزار پیشرفته و مؤثر در امور کیفری قضایی، نقش بسزایی در بهبود فرآیندهای قضایی، تحلیل جرم و جنایت و ارتقاء امنیت عمومی ایفا می‌کند. این سیستم با قابلیت جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و تجزیه و تحلیل داده‌های مکانی، به مقامات قضایی این امکان را می‌دهد که الگوهای وقوع جرم را شناسایی کرده و نقاط داغ جرم (Hot Spots) را تعیین کنند (لیتونن^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). به عنوان مثال، با استفاده از GIS، پلیس می‌تواند مناطقی را که بیشترین میزان جرم را دارند شناسایی کند و منابع خود را به طور مؤثرتر تخصیص دهد، که این امر به توسعه استراتژی‌های پیشگیری از جرم کمک می‌کند. علاوه بر این، GIS می‌تواند به مدیریت پرونده‌های قضایی کمک کند؛ به طوری که مقامات قضایی می‌توانند

² Roedl

³ Lehtonen

¹ Kouziokas

اطلاعات مربوط به مکان وقوع جرم، شواهد و شهود را به صورت مکانی تجزیه و تحلیل کنند و این اطلاعات به تسریع فرآیندهای قضایی و بهبود دقت در تصمیم‌گیری‌ها منجر می‌شود (بیکر، ۲۰۱۰). از دیگر مزایای GIS در امور کیفری، می‌توان به افزایش شفافیت در فرآیندهای قضایی اشاره کرد. با ارائه اطلاعات دقیق و قابل دسترسی، شهروندان می‌توانند اطمینان حاصل کنند که تصمیمات قضایی بر اساس داده‌های معتبر و علمی اتخاذ می‌شود. همچنین، GIS به بهبود ارتباطات بین نهادهای مختلف قضایی و امنیتی کمک می‌کند و می‌تواند به اشتراک‌گذاری اطلاعات و همکاری‌های بین‌سازمانی منجر شود (کووالچوک^۱، ۲۰۲۴). با این حال، استفاده از GIS در امور کیفری با چالش‌هایی نیز همراه است. نگرانی‌هایی درباره حریم خصوصی و امنیت داده‌ها وجود دارد که لازم است مقامات قضایی تدابیر لازم را برای حفاظت از اطلاعات شخصی اتخاذ کنند. همچنین، نیاز به آموزش و تخصص در زمینه تحلیل داده‌های مکانی وجود دارد که می‌تواند به عنوان یک مانع برای پیاده‌سازی مؤثر این سیستم‌ها عمل کند (برینتینگ، ۲۰۱۴). کاربردهای GIS در امور کیفری قضایی بسیار متنوع است. به عنوان مثال، GIS می‌تواند به ایجاد نقشه‌های جرم کمک کند که به مقامات امنیتی و قضایی این امکان را می‌دهد که الگوهای وقوع جرم را تجزیه و تحلیل کنند و به شناسایی نقاط آسیب‌پذیر در جامعه بپردازند. این اطلاعات می‌تواند به توسعه برنامه‌های امنیتی و اجتماعی در این مناطق کمک کند. همچنین، GIS می‌تواند به تحلیل ترافیک و حوادث کمک کند و

نقاط خطرناک در جاده‌ها را شناسایی کند، که این امر می‌تواند به افزایش ایمنی عمومی منجر شود. در مواقع اضطراری، GIS می‌تواند به مدیریت بحران‌های مرتبط با جرم و جنایت کمک کند و اطلاعات دقیقی از وضعیت موجود فراهم آورد که به تصمیم‌گیری سریع و مؤثر مقامات کمک می‌کند (چایینی و همکاران، ۲۰۰۹).

در نهایت، با توجه به چالش‌ها و مزایای استفاده از GIS در امور کیفری قضایی، این سیستم می‌تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در بهبود کارایی سیستم قضایی و ارتقاء امنیت عمومی عمل کند. برای بهره‌برداری مؤثر از GIS، نیاز به آموزش، همکاری بین‌سازمانی و توجه به مسائل حریم خصوصی و امنیت داده‌ها وجود دارد. به طور کلی، GIS می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و افزایش امنیت عمومی کمک کند و به عنوان یک ابزار استراتژیک در مدیریت و تحلیل داده‌های مکانی در حوزه قضایی مورد استفاده قرار گیرد (صادقی، ۱۴۰۱). جهات مذکور در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز چنان گسترده و موسع انشاء شده اند که بیشتر جنبه تمثیلی دارند و نه حصری. اما اعمال طرق فوق العاده اعتراض به آراء محدود به جهات بسیار ویژه ای است. قانون گذار در ماده ۴۷۴ آیین دادرسی کیفری جهات اعاده دادرسی را ذکر کرده است (ادونتان^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). به طور کلی می‌توانیم اشاره کنیم که طرق فوق العاده اعتراض در حقوق کیفری ایران براساس نفع عمومی و مطابق با قوانین و چارچوب اسلامی می‌باشد ولی هیبیس کوپس^۳ در حقوق کامنلا براساس

² Oduntan

³ habeas corpus

¹ Kovalchuk

فردگرایی می باشد به نوعی که در کامن لا با مقاومت بسیار فردگرایی را روح حاکم بر نگرش فلسفی خود می بیند و آن را مایه سربلندی خود میداند هر چند میتوان اشاره کرد که قوانین کامنلا در طی مدت زمان تغییرات مثبت و پیشرفت هایی در ابعاد مختلف داشته ولی پایه آن بر همان پایه و اساس و ریشه گذشته استوار است و به طور واضحتر میتوان اشاره کرد که طرق فوق العاده اعتراض در حقوق کیفری ایران نسبت به هیبیس کوپس در حقوق کامن لا شفاف و روشن تر و به نوعی قابل بررسی و پیگیری تر می باشد. در همین راستا، با عنایت به این که یکی از شیوه های سازنده و کارآمد جهت اصلاح و تکمیل قوانین و ساختار نظام قضایی هر کشوری مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی سایر کشورها و بهره گیری از دستاوردها و نتایج تحقیقات آنها می باشد (یازیکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۵).

صدور آراء اشتباه امری اجتناب ناپذیر در تمامی نظام های قضایی دنیاست. در چنین شرایطی رسالت عدالت کیفری ایجاب می کند تا به منظور جلوگیری از تضییع حقوق طرفین دعوا سازوکاری کارآمد را تعبیه کند. در این راستا تجدیدنظرخواهی، وخواهی، فرجام خواهی و اعاده دادرسی مکانیزمی است که قانونگذار در مقام چاره جویی نسبت به اشتباهات قضایی یا احکام مخالف اصول و قوانین در نظر گرفته تا افراد بتوانند به آراء مذکور اعتراض کنند. یکی از طرق فوق العاده اعتراض به آراء اعاده دادرسی است که یک حق دفاعی شناخته شده برای محکوم علیه است تا بدین واسطه احقاق حق کند (میرابی، ۱۴۰۳).

اعاده دادرسی در جهت تحقق اهداف یک جامعه عدالت محور امری پسندیده و موافق اصول حقوق بشری است و تاکید اسناد بین المللی ای نظیر بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸۴ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، نشان از اهمیت این امر دارد (امینی، ۲۰۲۴).

در آمریکا، استفاده از فن آوری اطلاعات مکانی منجر به توسعه سامانه هایی برای ردگیری الگوهای جرم و تسهیل در مدیریت پرونده ها شده است. پلیس و نهادهای قضایی می توانند با استفاده از داده های مکانی، تحلیل های دقیقی از مناطق جرم خیز انجام دهند و راهبردهای پیشگیرانه مؤثرتری را طراحی کنند. همچنین GIT به شهروندان امکان می دهد به اطلاعات و منابع حقوقی بر پایه موقعیت جغرافیایی خود دسترسی پیدا کنند که دسترسی عادلانه تر به عدالت را فراهم می سازد. این شفافیت و دسترسی بیشتر می تواند منجر به ارتقای اعتماد عمومی نسبت به سیستم قضایی شود (هیل^۲، ۲۰۲۱).

بنا به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اعاده دادرسی در نظام حقوقی ایران از طریق دو ماده ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری قابل درخواست است. اعاده دادرسی عام که از رهگذر ماده ۴۷۴ و با وجود هفت جهت معینی که در ماده صراحتاً ذکر شده امکان پذیر است، فقط نسبت به احکام آن هم در صورت قطعیت یافتن آن قابل اجراست. امری که از نظر عقلی نیز قابل توجیه است (پیراسته^۳، ۲۰۱۹).

² HiiL

³ Pirasteh

¹ Yazici

تجویز ریاست قوه در امور کیفری

ماده ۴۷۷ بیانگر این مهم می باشد که رییس قوه میتواند در صورتی که آرا قطعی صادر از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، اعاده دادرسی را تجویز کند تا در شعب خاصی از دیوان عالی کشور رسیدگی شود. بدین ترتیب مطابق این نوآوری قانون گذار؛ یک نوع بازبینی مقام مدار نسبت به آراء کیفری به رسمیت شناخته شده است با این حال در این زمینه چالش هایی دیده میشود. برای نمونه، اولین مسئله که ماده مذکور حول محور همین امر در جریان است میباشد (عظیم زاده، ۱۳۹۳). در حقیقت پیش بینی نشدن معیاری برای تشخیص خلاف بین شرع همواره «خلاف شرع بین» عبارت نامفهوم چالش برانگیز است. خلاف بین شرع در ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب تعریف شده بود که خالی از ایراد نبود. اما این نوآوری قانونگذار و تقدیم واژه شرع بر بین که خود اختلافاتی را بین جامعه حقوقی ایجاد کرده است محل بحث می باشد. خلاف بین شرع آن است که احکام شرع در خصوص موضوع به قدری روشن باشد که حکم دادگاه آشکارا بر خلاف آن دیده شود که گویا مطابق ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری چنین حکمی خلاف مسلمات فقهی تعریف و یا مصادیق آن معین شود که این عبارت نیز میتواند بیانگر ابهامات «مسلمات فقهی» است، بدون آنکه عبارت بسیار باشد. حال که اگر حکمی آنقدر واضح خلاف شرع باشد به فرض سوء نیت قاضی، چگونه هیچ یک از طرفین به آن اعتراض نکرده اند: از طرفی تقدیم شرع به بین از چه باب رخ داده است و اصلاً مقصود قانونگذار از این عبارت چه بوده است. این مهم از پرتو یافته های پیش گیرانه

باتوجه به آن که رشد و پیشرفت در زمینه های اجتماعی مرهون وجود قانونی به دور از ابهام می باشد تا در سایه آن حقوق شهروندان تضمین شود؛ سیاست گذاران کیفری در تمام دنیا به این نتیجه رسیده اند که ضروری است تا قوانینی وضع شود که راه را بر هرگونه سلیقه گرایی و بستر سازی مجرمانه سد کند. آیین دادرسی کیفری به عنوان یکی از قوانین پر کاربرد باید بستری مناسب جهت رسیدگی به بزهکار، حمایت از بزه دیده و توجه به کرامات و حقوق طرفین باشد (گودچیلد^۱، ۲۰۱۷). بنابراین نقد و بررسی ماده ۴۷۷ که ابهامات بسیاری را در خود جای داده است و همواره میتواند حقوق افراد را در معرض تزلزل قرار دهد و ارائه راهکارهایی جهت کاهش ابهامات اهمیت دارد و با عنایت به این که یکی از شیوه های سازنده و کارآمد جهت اصلاح و تکمیل قوانین و ساختار نظام قضایی هر کشوری مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی سایر کشورها و بهره گیری از دستاوردها و نتایج تحقیقات آنها می باشد؛ ضرورت پژوهش پیش رو آشکار میگردد. به طور کلی میتوان اشاره کرد که باتوجه به میزان اهمیت فوق العاده اعتراض به آرای کیفری در ایران و بررسی چالش ها و بحران های پیش روی آن در این تحقیق سعی به واکاوی آن گردیده و همچنین در این پژوهش محقق تلاش دارد که به بررسی چالش های قضایی اعاده دادرسی خاص در امور کیفری در ایران و امریکا بر اساس استنادپذیری داده های سنجش از راه دور بپردازد.

¹ Goodchild

نیز قابل تحلیل است (باوی، ۱۳۹۹). پرواضح است که نبود تعریف مشخص از عبارت خلاف شرع بین و ابهام این عبارت فرصت را برای سوء استفاده و به چالش کشیده شدن حقوق شهروندان و اعمال سلیقه از سوی مقامات در جهت تفسیر این عبارت فراهم خواهد کرد. ایجاد فرصت های بزهکارانه و عدم موفقیت برنامه های پیشگیرانه به دنبال عدم شفافیت در سیاست پیش بینی شده در ماده ۴۷۷ و شکل گیری برداشته ای متفاوت از چالش های ماده مورد بحث از منظر جرم شناسی پیشگیرانه است. نکته جالب توجه آن است که کشورهایی دارای نظام تخصصی هستند که از وجود هیات منصفه در دادرسی های خود بهره می برند. باید گفت؛ در حقوق آمریکا؛ یکی از تخصصی ترین ساز و کار رسیدگی به ادعای بی گناهی، قانونی است که در سال ۲۰۱۰ طرح و در سال ۲۰۱۴ به تصویب مجلس نیویورک رسید. در واقع، میتوان گفت مهم ترین گام ایالت نیویورک جهت اصلاح نظام عدالت کیفری در خصوص محکومانی که مدعی بی گناهی اند، تصویب قانون عدالت برای بی گناهی واقعی است. این قانون به گونه ای طراحی شده که با نگاه تخصصی به بی گناهی واقعی، یعنی محکومی که اساساً مرتکب جرم انتسابی نشده است، محکومیت صادر شده را به چالش می کشد و سعی می کنند موانع اثبات بی گناهی فردی که به اشتباه محکوم شده را از بین برد. با تصویب این قانون، آئین نامه پس از محکومیت نیویورک به گونه ای اصلاح می شود که شامل ادعای بی گناهی واقعی نیز باشد. در واقع، این قانون به نوعی آراء دادگاه ها که بر اساس قاعده معروف به

کول^۱ صادر میشدند را سازماندهی کرد (فرجیها و غلاملو، ۱۳۹۴). بر طبق این قانون، این امکان برای محکوم علیه فراهم میشود تا در صورتی که بتواند با استفاده از ادله واضح و قانع کننده ثابت کند، کنشگران حرفه ای نظام عدالت کیفری (مانند پلیس، بازپرس، دادستان و قاضی) در محکومیت او مرتکب خطا شده اند، از محکومیت رهایی می یابد. همچنین، دادگاه ها میتوانند همه ادله موجود را در نظر گیرند. در حقوق امریکا همواره افراد بیگناه بر اساس خطاهای عمدی و غیر عمدی کنشگران حرفهای نظام عدالت کیفری و دادستان، بازپرس، قاضی و ... و ممکن است توسط شهود محکوم شوند و در یک نظام حقوقی دستگاه تقنینی قوانینی وضع میکنند که محکومانی که پس از قطعیت آراء برای اثبات بی گناهی خود بتوانند از آن طریق احقاق حق نمایند و اثبات بیگناهی خود را انجام دهند. بی گناه شخصی است که مرتکب رفتار مجرمانه نشده است در نظام حقوقی امریکا یک ساختار تخصصی که بعد از تصویب دستگاه تقنینی به اجرا در میآید تحت عنوان کمیسیون اثبات بی گناهی - که وظیفه کمیسیون رسیدگی مجدد فوق العاده برای اثبات بی گناهی است به این معنی که احتمال وقوع خطا در سیستم قضایی را پذیرفته است هرچند در کمیسیون بررسی بی گناهی به دفاع مشروع و اعتراض به محکومیت به پیش از مجازات مقرر قانونی رسیدگی نمیکند اما محکومانی که شامل عفو توسط مقامات دولتی و قضایی یک ایالت آمریکا می شوند پس از آن محکوم از مجازات رهایی پیدا میکند ولی دادگاه حکم بر بی گناهی صادر نمیکند (غلامی، ۱۴۰۲).

¹ Cole

تشخیص رئیس قوه قضائیه به عنوان یکی از

جهات اعاده دادرسی

اعاده دادرسی یکی از طرق فوق العاده شکایت از احکام دادگاه ها است که به لحاظ انحصار و محدودیت جهات آن، به طور استثنایی و در موارد خاص اعمال و پذیرفته می شود. اعاده دادرسی از آن جهت طریقی فوق العاده است که تنها نسبت به حکم قطعی دادگاه و با توسط به جهات منحصر و استثنایی و پس از تجویز و یا قرار قبولی آن حسب مورد در مورد احکام کیفری و مدنی، قابلیت اعمال و اجراء پیدا می کند. ضمن اینکه باب ورود به این مرحله برای دیگران (اشخاص ثالث) باز نیست (حیدری، ۱۳۹۹). همین ویژگی ها باعث شده که اعاده دادرسی در هم سنجی با سایر طرق، موقعیتی ممتاز و انحصاری به خود گرفته تا هیچ یک از طرفین پرونده در مقایسه با طریق عادی تجدید نظرخواهی، نتوانند با توسط به این نهاد قانونی به سهولت بخت خویش را در نقض حکم بیازمایند و فرصتی دیگر برای خود فراهم آورند. قانون گذار با نادیده گرفتن قیود و محدودیت هایی که برای این نهاد قانونی وجود دارد، در سال ۱۳۸۵ در اقدامی شتاب زده و ناگهانی، توسط به این طریق را با وساطت و تشخیص رئیس قوه قضائیه، عمومیت و گسترش داد، به نحوی که هرگونه رای (اعم از حکم و قرار) قطعی صادره از محاکم دادگستری را می توان در قالب این طریق اعتراضی، مورد بازنگری و عندالاقضا نقض قرار داد. تحلیل و بررسی قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ که تشخیص رئیس قوه قضائیه در

مخالفت بین رای با شرع را به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی در امور کیفری و مدنی بنیان نهاده در این پژوهش و در تناسب با پژوهش های مرتبط با مباحث حقوقی این حیطه با سنجش از راه دور پرداخته می شود (نهرینی، ۱۳۹۰).

چالش های اعاده ی دادرسی خاص در حقوق

آمریکا چیست

به دلیل پیچیدگی ماهیت محکومیت بی گناهان، چه در قوانین و رویه و چه در بسیاری از پژوهش های تخصصی و مرتبط، تعریف صریح و دقیقی از آن، دستکم به نحوی که مورد اجماع باشد، مشاهده نمی شود. نبود تعریف مشخص و ثابت به این معنا خواهد بود که در ضوابط شناسایی آن نیز اختلاف وجود دارد. مشاور حقوقی ارشد کمیسیون بازبینی پرونده های کیفری در پاسخ به سؤالی در مورد تعریف خطای قضایی کیفری میگوید: «من حتی نمی دانم خطای قضایی کیفری چیست. در کمیسیون به طور ساده این موضوع را بررسی می کنیم که آیا محکومیت درست صادر شده اند و اگر معتقد شویم که امکان واقعی نقض محکومیت وجود دارد پرونده را به دادگاه تجدید نظر برمیگردانیم» (تراینود^۱، ۲۰۰۷).

اعاده دادرسی قضایی و سنجش از راه دور

استفاده از سنجش از دور "مشاهده سطح زمین و آب با استفاده از انرژی الکترومغناطیسی منعکس شده یا ساطع شده" یا به عبارت ساده تر، روشی برای "کسب داده در مورد یک شی بدون تماس با آن" (جنسن^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). برای نظارت و تجزیه و تحلیل

¹ Traynot

² Jensen

مزایای آشکاری برای سازمان های مجری قانون دارد. این امر نظارت بر ماموران قانون را در مکان های اغلب دورافتاده یا غیرقابل دسترس بسیار گسترش می دهد، قرار گرفتن این عوامل در معرض شرایط خطرناک روی زمین را کاهش می دهد و ممکن است کمبود نیروی انسانی را جبران کند (این فناوری ها به عنوان «ضریب کننده نیرو» نامیده می شوند. برخی از زمینه های اجرای قانون). در عین حال، استفاده از سنجش از دور حداقل سه محدودیت جدی دارد. اول و شاید واضح تر از همه، تصاویر سنجش از راه دور که از هلیکوپترها، هواپیماها یا ماهواره ها در حال پرواز جمع آوری می شوند، تنها می توانند جنایات یا اثرات جنایت را که از بالا و برای مدت زمان طولانی قابل مشاهده هستند، شناسایی کنند. به عنوان مثال، حسگرهای از راه دور می توانند قطع درختان غیرقانونی، تولید مواد مخدر در مقیاس بزرگ و مسیرهای پیاده روی در بیابان را شناسایی کنند، اما احتمال تشخیص قتل، حمله، قتل، دزدی یا سایر اقدامات در مقیاس کوچک، مخفیانه و سریع بسیار کمتر است. تلاش هایی برای به تصویر کشیدن تأثیرات ماندگار این چیزها انجام شده است (پرینگل^۱ و دیگران، ۲۰۱۲).

دوم، سنجش از دور نمی تواند زمینه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی مناظر و کنش هایی را که در درون آنها انجام می شود، ثبت کند. جنایت و مجرمان مقوله های ذهنی، فضایی مشخص و از نظر تاریخی ممکن است. آنها طبقه بندی های از پیش تعیین شده یا طبیعی نبوده اند و هیچ وقت هم نبوده اند. با تغییر قوانین، مقررات استفاده از زمین و همچنین

روابط قدرت ملی و محلی، تعاریف جنایات و مجرمان نیز تغییر می کنند (فوکائولت^۲، ۲۰۰۰). بنابراین، سنجش از دور نمی تواند جرم را تشخیص دهد، زیرا ممکن است جایگاه یک گونه درخت خاص را تشخیص دهد: جنایات، عاملان آنها و اشکال آنها توسط نیروهای غالب در جامعه تعریف می شوند تا امضاهای طیفی یا الگوهای بافت. از آنجایی که تصاویر سنجش از دور از راه دور جمع آوری می شوند (بر اساس تعریف)، آنها فاقد تعاریف جزئی یا ظریفی از جنایت هستند که از بافت مناظری که آنها به دنبال تجزیه و تحلیل هستند، استخراج شده اند. آنها به ما نمی گویند که چرا بعضی چیزها یا توسط چه کسی اتفاق افتاده است. آنها درک علیت و انتساب را به مفسران خود واگذار می کنند (برون و همکاران، ۲۰۱۷).

همچنین در نتایج پژوهش کلی^۳ و همکاران (۲۰۱۴) با عنوان اعتبار سنجی جغرافیای جرم از راه دور بیان داشتند که پس از بررسی حدود ۶۱ مقاله که از سنجش از دور برای شناسایی فعال جرم استفاده می کنند. با توجه به عواقب جدی شناسایی نادرست جنایات یا مکان های جنایت (به عنوان مثال، باز کردن آن مکان و ساکنان آن در برابر نفوذ، ارباب، نظارت یا خشونت بالقوه)، نویسندگان از عدم تأیید دقیق روش های سنجش از راه دور مورد استفاده شگفت زده شدند. در نتایج این پژوهش ها مشخص شد که سنجش از راه دور در کمک به بهبود روند پرونده های امور کیفری و جرم های جغرافیایی می تواند تأثیرات

² Foucault

³ Kelly

¹ Pringle

مثبت و در روند بهبود تشخیص درست حکم کمک کند.

علیرغم عدم تعادل و مشکلات جدی که ممکن است از سنجش از دور جرم ناشی شود، همچنان که از افزایش بحث در مطبوعات و مجلات دانشگاهی مشهور در مورد استفاده از سیستم‌های هواپیمای بدون سرنشین (UASs/UAV/پهپادها) مشاهده کردیم، به سرعت ادامه دارد. در دسترس بودن ریزماهواره ها و تصاویر Google Earth در کشف جرم (شکل ۱). استفاده مداوم و روزافزون از سنجش از دور برای این اهداف ما را به محدودیت سودی که در اینجا به آن اشاره خواهیم کرد می‌رساند: موضوع اعتبار سنجی. همانطور که محققان سنجش از دور، مانند جنسن^۱ (۲۰۱۰)، کنگالتون^۲ (۲۰۱۱) و فودی^۳ (۲۰۱۲) خاطرنشان می‌کنند، اعتبار بخشی بخش مهمی از هر تمرین سنجش از دور است و این محققان و دیگران پروتکل‌های سخت گیرانه ای را برای تمرین‌های اعتبار سنجی ارائه کرده اند. با این حال، تأیید اینکه جنایات واقعاً در مکان‌هایی اتفاق می‌افتند که الگوریتم‌های سنجش از راه دور (و مفسران آن‌ها) می‌گویند که چنین هستند، کار ساده‌ای نیست. در صحنه، راستی‌آزمایی بالقوه تولید مواد مخدر غیرقانونی، قاچاق اسلحه و مواد مخدر یا حتی قطع غیرقانونی درختان، فعالیت‌هایی که اغلب توسط محافظان یا عوامل مسلح محافظت می‌شوند یا با آنها مرتبط هستند، اغلب خطرناک است. با این حال، فقدان اعتبار در سنجش از دور جرم

نگران‌کننده است، زیرا اقدامات شدید نظامی یا پلیسی اغلب برای مداخله در مواردی که جرایم با اثرات پایدار زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی کشف می‌شوند استفاده می‌شود: زندگی، امنیت و معیشت می‌تواند در خطر باشد، نه به اعتبار و منابع مجری قانون اشاره کنیم. به طور خلاصه، طبقه بندی یک عمل به عنوان جرم یا یک فرد به عنوان مجرم ممکن است هزینه های بسیار بالاتری نسبت به سایر اشتباهات طبقه بندی داشته باشد. بنابراین، قبل از اقدام باید از آنچه به عنوان جرم طبقه بندی می‌کنیم با استفاده از تصاویر سنجش از دور مطمئن باشیم. علاوه بر این، چنین اعتبارسنجی ممکن است تفاوت‌های ظریف و درک زمینه‌ای بیشتری از تصاویر مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل بیافزاید، که ممکن است پاسخ منصفانه‌تر و متعادل‌تری را برای اجرای قانون فراهم کند (چن^۴، ۲۰۱۷).

چالش‌های قضایی در ایران و آمریکا به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و قانونی، بسیار متفاوت است. در ادامه، به برخی از این چالش‌ها در هر دو کشور اشاره می‌شود:

چالش‌های قضایی در ایران:

۱. **عدم استقلال قوه قضائیه:** قوه قضائیه در

ایران تحت تأثیر نهادهای سیاسی و مذهبی قرار دارد و این موضوع می‌تواند بر عدالت و بی‌طرفی قضات تأثیر بگذارد.

۲. **نقص در حقوق بشر:** در برخی موارد،

حقوق بشر در روندهای قضایی نادیده گرفته

¹ Jensen

² Congalton

³ Foody

⁴ Chen

می‌شود، به ویژه در موارد مربوط به آزادی بیان و حقوق متهمان.

۳. **عدم شفافیت:** فرآیندهای قضایی در ایران معمولاً شفاف نیستند و دسترسی به اطلاعات برای عموم مردم محدود است.

۴. **قوانین سخت گیرانه:** برخی از قوانین در ایران، به ویژه در زمینه‌های مربوط به جرایم سیاسی و اجتماعی، می‌توانند بسیار سخت گیرانه و غیرمنصفانه باشند.

۵. **نقص در آموزش قضات:** برخی از قضات ممکن است آموزش‌های کافی در زمینه حقوق و قوانین بین‌المللی نداشته باشند که می‌تواند بر کیفیت تصمیم‌گیری‌های قضایی تأثیر بگذارد.

چالش‌های قضایی در آمریکا:

۱. **نابرابری در دسترسی به عدالت:** بسیاری از افراد به دلیل هزینه‌های بالای وکالت و فرآیندهای قضایی نمی‌توانند به خدمات حقوقی دسترسی پیدا کنند.

۲. **نظام کیفری ناعادلانه:** انتقادات زیادی به نظام کیفری آمریکا وجود دارد، به ویژه در مورد نژادپرستی و تبعیض در صدور حکم‌ها و مجازات‌ها.

۳. **افزایش جمعیت زندانیان:** آمریکا یکی از بالاترین نرخ‌های زندانیان را در جهان دارد و این موضوع به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شده است.

۴. **تأثیر پول در سیاست:** تأثیر پول در سیاست و انتخابات می‌تواند بر روندهای قضایی تأثیر بگذارد و به نابرابری در عدالت منجر شود.

۵. **چالش‌های مربوط به حقوق بشر:** مواردی از نقض حقوق بشر در زندان‌ها و در فرآیندهای قضایی وجود دارد که به انتقادات بین‌المللی منجر شده است.

در نهایت، هر دو کشور با چالش‌های خاص خود در زمینه قضایی مواجه هستند که نیاز به اصلاحات و بهبود دارد. در حالی که ایران با مسائل مربوط به استقلال قوه قضائیه و حقوق بشر دست و پنجه نرم می‌کند، آمریکا با چالش‌های نابرابری و تأثیر پول در سیاست مواجه است (امیریان، ۱۴۰۲).

تعدیل چالش‌های قضایی در ایران و آمریکا نیازمند اتخاذ رویه‌ها و اصلاحات خاصی است. در ادامه، به برخی از این رویه‌ها و راهکارها در هر دو کشور اشاره می‌شود:

رویه‌های قضایی در ایران:

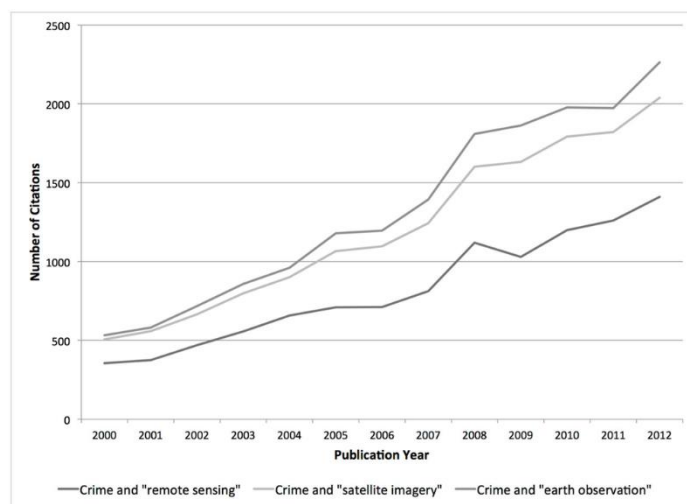
۱. **تقویت استقلال قوه قضائیه:** ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش استقلال قوه قضائیه و کاهش تأثیر نهادهای سیاسی و مذهبی بر تصمیم‌گیری‌های قضایی.

۲. **اصلاح قوانین و رویه‌ها:** بازنگری در قوانین سخت گیرانه و اصلاح آن‌ها به منظور رعایت حقوق بشر و تضمین عدالت برای همه افراد.

۳. افزایش شفافیت: بهبود دسترسی به اطلاعات قضایی و ایجاد سامانه‌های آنلاین برای پیگیری پرونده‌ها و اطلاع‌رسانی به عموم مردم.
۴. آموزش قضات: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای قضات به منظور ارتقاء دانش و آگاهی آن‌ها در زمینه حقوق بین‌الملل و حقوق بشر.
۵. تقویت نهادهای نظارتی: ایجاد نهادهای مستقل برای نظارت بر عملکرد قوه قضائیه و رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر.
۳. توسعه برنامه‌های پیشگیری از جرم: سرمایه‌گذاری در برنامه‌های اجتماعی و آموزشی به منظور کاهش جرم و جنایت و بهبود شرایط اجتماعی.
۴. تضمین حقوق بشر: تقویت قوانین و رویه‌ها برای حفاظت از حقوق بشر در فرآیندهای قضایی و زندان‌ها.
۵. کاهش تأثیر پول در سیاست: ایجاد قوانین و مقرراتی برای محدود کردن تأثیر پول در سیاست و انتخابات به منظور تضمین عدالت و بی‌طرفی در فرآیندهای قضایی. (فتحی، ۱۳۹۵).

رویه‌های قضایی در آمریکا:

۱. دسترسی به خدمات حقوقی: توسعه برنامه‌های حقوقی رایگان یا با هزینه کم برای افراد کم‌درآمد به منظور افزایش دسترسی به عدالت.
۲. اصلاح نظام کیفری: بازنگری در قوانین کیفری و کاهش مجازات‌های غیرضروری به ویژه برای جرایم غیرخشونت‌آمیز و بهبود شرایط زندان‌ها.

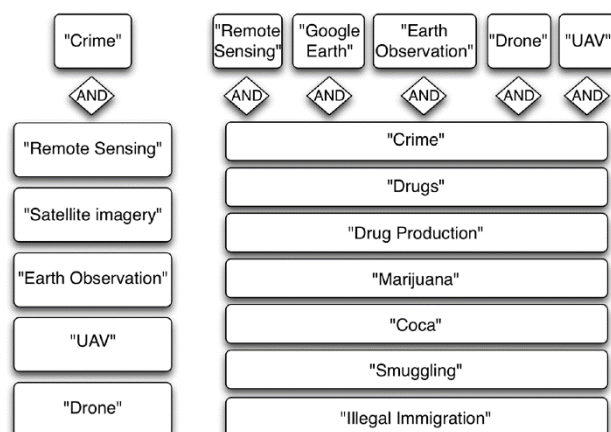


شکل ۱. نتایج جستجوهای Google Scholar برای اصطلاحات "جرم های کیفی" و سنجش از دور از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۲. (هریس^۱)
(۲۰۱۳)

¹ Harris

۲۵۰ متر)؛ ثانیاً، جرایم یا شواهد آنها عموماً برای مدت زمان طولانی قابل مشاهده است و امکان شناسایی آنها توسط ماهواره ها یا حسگرهای هواپرد در طول یک روز، هفته یا ماه را فراهم می کند. و سوم، آنها به طور کلی دارای الگوهای فضایی یا طیفی مشخصه ای هستند که با استفاده از تجزیه و تحلیل مبتنی بر شی یا تجزیه و تحلیل طیفی از بالا قابل تشخیص هستند.

با این حال، همه جرایم برای شناسایی از راه دور مناسب نیستند. آن دسته از جرایم که با موفقیت با استفاده از فناوری های سنجش از دور کشف شده اند، عموماً دارای سه ویژگی زیر هستند: اول، در مناطق جغرافیایی نسبتاً وسیعی رخ می دهند، به طوری که الگوهای آنها را می توان به راحتی شناسایی کرد، حتی با تصاویر با وضوح متوسط یا کم فضایی، مانند Landsat. وضوح ۳۰ متر یا MODIS (رزولوشن



شکل ۲. موضوعات کیفری مرتبط با سنجش از راه دور (لبلانک^۱ و همکاران، ۲۰۱۴)

¹ Leblanc

تشخیص جرم توسط گوگل ارث

جدا از تکنیک‌های سنجش از دور پیشرفته‌تر که در بالا ذکر کردیم، مجریان قانون و مقامات دولتی از قدرت محصولات سنجش از راه دور در دسترس آزاد، مانند Google Earth، برای کشف جرم استفاده کرده‌اند (هوپین^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). اگرچه، تا به امروز، بحث محدودی در مورد استفاده از Google Earth برای کشف جرم در ادبیات دانشگاهی وجود دارد، اما به طور گسترده در مطبوعات رایج مورد بحث قرار گرفته است. این بحث‌ها اشاره می‌کنند که Google Earth توسط افسران مجری قانون، کارمندان دولت، دانشمندان و حتی شهروندان خصوصی برای شناسایی فعال جنایات در حال انجام در سراسر جهان به کار گرفته می‌شود. (نیگله و همکاران، ۲۰۱۴). با این حال، استفاده از Google Earth برای تحقیقات جرم در تولید مواد مخدر متوقف نمی‌شود. در یونان، ایتالیا، آرژانتین، هند و ایالات متحده، Google Earth توسط مقامات دولتی برای شناسایی خانه‌هایی که قوانین ساختمانی را نقض کرده‌اند، استخرهای شنا بدون مجوز ساخته‌اند و برای مقایسه ارزش‌های اعلام‌شده خانه با سازه‌های موجود واقعی استفاده شده است. اگرچه در کارولینای شمالی، مقامات دولتی ایالات متحده فقط از Google Earth برای تأیید شکایات نقض کد استفاده کردند، اما در مکان‌هایی مانند هند، نیویورک، آرژانتین و یونان، Google Earth برای شناسایی فعال جنایات انجام شده استفاده شد (بسفامل^۲، ۲۰۱۲).

روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر به صورت کیفی و با بررسی عمیق و جامع پدیده‌های حقوقی و اجتماعی چالش‌های قضایی ایران و آمریکا پرداخت. پژوهشگر با استفاده از سایت‌های Sid, Civilica, Scholar، و نشریه تحقیقات حقوقی ایران به جمع‌آوری مطالب مرتبط پرداخت. همچنین پژوهشگر این امکان را داشت تا از طریق مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و تحلیل متون، درک بهتری از مسائل پیچیده حقوق کیفری پیدا کند. این روش به جای تمرکز بر داده‌های عددی و آماری، بر تجربیات و نظرات افراد تأکید دارد و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از تکنیک‌های مختلف مانند تحلیل محتوای متون قانونی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و گروه‌های قانونی، به درک عمیق‌تری از اعاده دادرسی خاص در امور کیفری در ایران و آمریکا بر اساس استنادپذیری داده‌های سنجش از راه دور دست یابد. لذا پس از جمع‌آوری مطالب و مصاحبه‌های ساختار یافته پژوهشگر به ۵ مولفه تأثیر گذار در این زمینه دست یافت: عدالت (استفاده مؤثر از داده‌های سنجش از راه دور می‌تواند به شفافیت و دقت در تصمیم‌گیری‌های قضایی کمک کند و به عدالت بیشتر در فرآیندهای کیفری منجر شود) - آموزش و آگاهی قضات (آگاهی و آموزش قضات در مورد نحوه استفاده از داده‌های سنجش از راه دور و ارزیابی اعتبار آن‌ها در فرآیند اعاده دادرسی، نقش مهمی در موفقیت این فرآیند دارد. در آمریکا، برنامه‌های آموزشی برای قضات در این زمینه وجود دارد، در حالی که در ایران نیاز به توسعه این برنامه‌ها احساس می‌شود) - دسترسی به فناوری: در آمریکا (دسترسی به فناوری‌های نوین و داده‌های سنجش از راه دور به راحتی امکان‌پذیر است و این امر به تسهیل فرآیند اعاده دادرسی کمک می‌کند. در ایران، محدودیت‌های دسترسی به این

¹ Hoppin

² Besfamille

فناوری‌ها می‌تواند مانع از استفاده مؤثر از داده‌ها شود)- اعتبار داده‌ها (در آمریکا، داده‌های سنجش از راه دور، مانند تصاویر دوربین‌های مداربسته و اطلاعات دیجیتال، به عنوان شواهد معتبر پذیرفته می‌شوند و می‌توانند به عنوان مبنای اعاده دادرسی خاص قرار گیرند. در ایران، اعتبار این داده‌ها هنوز مورد بحث و بررسی قرار دارد و نیاز به قوانین روشن‌تری دارد)- قوانین و مقررات (در هر دو کشور، وجود قوانین مشخصی که شرایط و ضوابط اعاده دادرسی خاص را تعیین می‌کند، از اهمیت بالایی برخوردار است. در آمریکا، قوانین به وضوح به شواهد جدید و داده‌های دیجیتال اشاره دارند، در حالی که در ایران این موضوع هنوز به طور کامل تعریف نشده است).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، به نظر می‌رسد که هم زمان با پیشرفت فناوری و دسترسی گسترده به ادله الکترونیکی و به خصوص داده‌های سنجش از راه دور، استفاده از آنها در اعاده‌های دادرسی که هر مدرکی را که ممکن است برای دادگاه مفید باشد، می‌تواند در صدور آرای صحیح‌تر کمک کند. همچنین متأسفانه معیار و قاعده یکسانی در خصوص وضعیت حقوقی داده‌های سنجش از راه دور وجود ندارد و در هر مورد مشخص، به ماهیت دلایل ارائه شده و آیین دادرسی هر دیوان رجوع خواهد شد. در برخی پرونده‌ها، داده‌های مذکور به عنوان مدارک اصلی، مستقیم و دال بر اثبات حقیقت و در برخی به عنوان ادله غیرمستقیم و تکمیلی تلقی می‌شوند که در مورد اخیر، استفاده از دلایل اضافی برای تقویت آنها، پیشنهاد می‌شود. زمانی که داده‌های مذکور در کنار داده‌های حاصل از سیستم اطلاعات جغرافیایی،

سیستم موقعیت یاب جهانی و پروژه طرح نگار^۱ استفاده شوند، می‌توانند بهترین شرایط و نتیجه را در تعیین و تشخیص واقعیت، برای قضات ارائه کنند. نکته لازم در خصوص مدارک مذکور و سایر مدارک، اثبات دقیق، موثق، معتبر و قابل اعتماد بودن آنهاست؛ این ملزومات می‌توانند از طریق استانداردهای عملی و فنی حاصل شوند. هرچند به علت پیچیدگی‌های اطلاعات اولیه و نیاز به پردازش برای تبدیل به داده‌های قابل فهم، ممکن است تأیید و تصدیق کارشناسان فنی در خصوص کافی بودن پردازش و اعتبار اطلاعات، لازم باشد که به نظر می‌رسد در حال انجام است. راه‌هایی برای ایجاد اصول قانونی و ساختارهای لازم به منظور تشویق هرچه بیشتر استفاده از داده‌های سنجش از راه دور به عنوان دلیل مشخص شده که شامل توسعه معیارها در مورد روش تولید داده‌ها، سنجش قابلیت‌های فنی و چارچوب‌های قانونی مناسب می‌شود، و در کنار افزایش آگاهی حقوق دانان و متخصصین فنی این حوزه، توسعه زبان مشترک و ایجاد پیش نویس پذیرش عمومی چنین ادله‌ای، می‌تواند استفاده از اطلاعات مذکور را افزایش دهد.

¹ Cadastre or Cadaster.

منابع

- Amini, A. (2024). The Dynamics of Equity in Harmony with the Development of International Law. *International Law Review*.
- Baker, S., & McLafferty, S. (2005). Geographic Information Systems and Public Health: A New Perspective. *Public Health Reports*, 120(5), 569-577.
- Besfamille, M.; Olmos, P. Inspectors or Google Earth? Optimal Fiscal Policies under Uncertain Detection of Evaders; Universidad Torcuato Di Tella: Buenos Aires, Argentina, 2010. [Google Scholar]
- Brantingham, P. J., & Brantingham, P. L. (1981). *Environmental Criminology*. Sage Publications.
- Brown, B. (2017). Reinstatement Dilemma: The Hiss Decision and Its Effects Upon Disciplinary Enforcement. In *Lawyers' Ethics* (pp. 225-236). Routledge.
- Chainey, S., & Ratcliffe, J. (2005). *GIS and Crime Mapping*. John Wiley & Sons.
- Chen, S. (2015). Missed Opportunities and Second Chances: Appellate Litigation Strategies for Asylum Seekers in Reinstatement Cases. *HLRe: Off Rec.*, 6, 35.
- Congalton, R.G. Accuracy assessment and validation of remotely sensed and other spatial information. *Int. J. Wildland Fire* 2011, 10, 321-328. [Google Scholar] [CrossRef]
- Corporate. (2020). *The Justice Gap: Measuring the Unmet Civil Legal Needs of Low-Income Americans*. LSC Report.
- Department of Justice. (2023). *Final Rule to Address Urgent National Security Risks*. U.S. Department of Justice. <https://www.justice.gov/archives/opa/medi a/1382526/dl>
- Fathi, A. (2015). The Role of Judiciary in Iran: An Analysis of Independence and Accountability. *Iranian Journal of Law and Political Science*, 3(1), 45-60.
- Foody, G.M. Status of land cover classification accuracy assessment. *Remote Sens. Environ.* 2012, 80, 185-201. [Google Scholar] [CrossRef]
- Foody, G.M. Status of land cover classification accuracy assessment. *Remote Sens. Environ.* 2012, 80, 185-201. [Google Scholar] [CrossRef].
- Foucault, M. *Power/knowledge: Selected interviews and other writings, 1972-1977*; Random House LLC: New York, NY, USA, 2010; p. 288. [Google Scholar]
- Goodchild, M. F., Fu, P., & Rich, P. (2017). Sharing geographic information: an assessment of the Geospatial One-Stop. *Annals of the Association of American Geographers*, 97(2), 250-266.
- Harris, R. Science, policy and evidence in EO. In *Evidence from Earth Observation Satellites: Emerging Legal Issues*; Purdy, R., Leung, D., Eds.; Martinus Nijhoff Publishers: Leiden, The Netherlands, 2013; Vol. 7, pp. 43-64. [Google Scholar]
- He, Q., & Li, J. (2022). The roles of built environment and social disadvantage on the geography of property crime. *Cities*, 121, 103471. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103471>
- HiiL. (2021). *Use of digital technologies in judicial reform and access to justice*. [Link](#)
- Hoppin, J. Now on Google Earth: Marijuana Fields. Available online: http://www.santacruzsentinel.com/ci_2365

1607/now-google-earth-marijuana-fields (accessed on 22 April 2014).

Jensen, J.R. Remote Sensing of the Environment: An Earth Resource Perspective, 2nd ed.; Prentice Hall: Upper Saddle River, NJ, 2010; p. 593. [Google Scholar]

Karimi, Mehdi. (2021). The impact of information technology in judicial proceedings. Ara Scientific Quarterly, 4(8), 109-130.

Kelly, A. B., & Kelly, N. M. (2014). Validating the remotely sensed geography of crime: A review of emerging issues. Remote Sensing, 6(12), 12723-12751.

Kounadi, O., Ristea, A., Araujo, A., & Leitner, M. (2020). A systematic review on spatial crime forecasting. Crime Science, 9(1), 7. <https://doi.org/10.1186/s40163-020-00116-7>.

Kouziokas, G. N. (2017, September). An information system for judicial and public administration using artificial intelligence and geospatial data. In *Proceedings of the 21st Pan-Hellenic Conference on Informatics* (pp. 1-2).

Kovalchuk, O., Kolesnikov, A., Proskurniak, I., Halunko, V., & Kovach, Y. (2024). Implementation of innovative information technologies in judicial proceedings: organizational and legal aspect. Amazonia Investiga, 13(76), 53-62.

Leblanc, G.; Kalacska, M.; Soffer, R. Detection of single graves by airborne hyperspectral imaging. Forensic Sci. Int. 2014, 245, 17–23. [Google Scholar] [CrossRef]

Lehtonen, O., & Sutela, M. (2022). Geospatial Research Supporting Decision-Making in Court Services-an Assessment of the 2019 District Court Reform in Finland. In IJCA (Vol. 13, p. 1).

Leśniak, A., Polończyk, A., & Waśniowski, P. (2022). Variations in the spatial distribution of crime events in an urban environment during the COVID-19 lockdown. Cartography and Geographic Information Science, 49(2), 171–188. <https://doi.org/10.1080/15230406.2021.2013945>

Li, Y., Xie, Y., & Shekhar, S. (2023). Spatial Data Science. In L. Rokach, O. Maimon, & E. Shmueli (Eds.), Machine learning for data science handbook: Data mining and knowledge discovery handbook (pp. 401–422). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-031-24628-9_18.

Neagle, C. How Cops and Robbers are using Google Earth. Available online: <http://www.infoworld.com/article/2606764/applications/129087-How-cops-and-robbers-are-using-Google-Earth.html> (accessed on 25 April 2014).

Oduntan, G. (2019). Geospatial sciences and space law: Legal aspects of earth observation, remote sensing and geoscientific ground investigations in Africa. Geosciences, 9(4), 149.

Pirasteh, S., & Varshosaz, M. (2019). Geospatial information technologies in support of disaster risk reduction, mitigation and resilience: Challenges and recommendations. In Sustainable development goals connectivity dilemma (pp. 93-108). CRC Press.

Pringle, J.; Ruffell, A.; Jervis, J.; Donnelly, L.; McKinley, J.; Hansen, J.; Morgan, R.; Pirrie, D.; Harrison, M. The use of geoscience methods for terrestrial forensic searches. Earth-Scie. Rev. 2012, 114, 108–123. [Google Scholar]

Roedl, G., Elmes, G. A., & Conley, J. (2014). Geospatial Technologies in the Courtroom. Forensic GIS: The Role of

Geospatial Technologies for Investigating Crime and Providing Evidence, 19-38.

Song, J., Andresen, M. A., Brantingham, P. L., & Spicer, V. (2017). Crime on the edges: Patterns of crime and land use change. *Cartography and Geographic Information Science*, 44(1), 51-61. <https://doi.org/10.1080/15230406.2015.1089188>

Traynot, M. (2007). The First Restatements and the Vision of the American Law Institute, Then and Now. *S. Ill. ULJ*, 32, 145.

Yazici, T. (2025). Standardizing Space Technologies as Admissible Evidence: Legal and Ethical Frameworks for US Courts and the International Criminal Court. *University of Miami International and Comparative Law Review*, 32(2), 180.

Zare, M. (2016). Judicial Training in Iran: Current Status and Future Directions. *Journal of Legal Education*, 66(1), 89-104.

امیریان فارسانی، امین. (۱۴۰۲). چالش های جایگزین تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه تمدن حقوقی، ۶(۱۴)، ۹۱-۱۰۸. doi: 10.22034/lc.2023.168001

امیریان فارسانی، امین. (۱۴۰۲). چالش های جایگزین تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا. تمدن حقوقی، ۶(۱۴)، ۹۱-۱۰۸. SID. .

باوی. (۲۰۱۹). تحلیل پیاده سازی میانجی گری کیفری از منظر آیین نامه میانجی گری در امور کیفری. فصلنامه قضاوت، ۱۹(۹۷)، ۹۵-۱۱۶.

حیدری، مهدی، ۱۳۹۹، تحلیل و واکاوی تحولات قانونگذاری در رابطه با مرور زمان کیفری، <https://civilica.com/doc/1495992>

شمس، عبدالله و دواشی، زیور. (۱۴۰۰). چالش های ناشی از تأمین مالی هزینه های دادخواهی توسط ثالث در سیستم قضایی آمریکا، انگلستان و ایران. فصلنامه

تحقیقات حقوقی، ۲۴(۹۳)، ۶۱-۸۶. doi: 10.29252/jlr.2021.184692.1547

صادقی. (۱۴۰۱). چالش های ابزارهای «واقعیت مجازی» در حوزه بازی های رایانه ای (مطالعه ای تطبیقی در نظام حقوقی ایران و آمریکا). پژوهشهای حقوقی، ۲۰(۴۵)، ۲۳۳-۲۵۶.

صادقی، حسین، علی درویشی بلورانی و سید کاظم علوی پناه، سنجش از دور در نظام حقوقی ملی و ایران، سال سوم، ۱۳۹۰، شماره ۲، ص ۵۱ GIS بین المللی، نشریه سنجش از دور.

عظیم زاده، شادی. (۱۳۹۳). رویه و تهاافت آرای قضایی در امور کیفری شعب دیوان عالی کشور. فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، ۳(بهار ۱۳۹۳)، ۶-۱۱۰. doi: 10.22106/jcr.2016.22309

غلامی، میثم، جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد. (۱۴۰۲). ارزیابی اقرار در امور کیفری از منظر نظریه عقلانیت ماکس وبر. پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۱(۲۱)، ۱۰۱-۱۳۰. doi: 10.22034/jclc.2022.333705.1665

فرجیها، محمد؛ غلاملو، جمشید (۱۳۹۴). ساز و کارهای رسیدگی به ادعای بیگناهی محکومان: مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی ایران، آمریکا و انگلستان، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ش. ۱.

میرابی، سیده پریسا، راعی، مسعود و انصاری مهیاری، علی رضا. (۱۴۰۳). مصونیت مقامات در آراء قضایی بین المللی و طرح کمیسیون حقوق بین الملل. پژوهش حقوق عمومي، (۰)، -. doi: 10.22054/qjpl.2025.82607.3051

نهرینی، فریدون. (۲۰۱۰). تشخیص رییس قوه قضاییه به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی (۱). تحقیقات حقوقی، ۵۲(۱۳)، ۱۳۷-۱۷۵.

An analysis of the judicial challenges of restoring special proceedings in criminal matters in Iran and America based on the reliability of remote sensing data

Abstract

The purpose of the present study was to examine the impact of spatial information technology in judicial proceedings in Iran and the United States based on the reliability of remote sensing data. Issuing wrong decisions is inevitable in all judicial systems in the world. In such circumstances, the mission of criminal justice requires that an efficient mechanism be implemented in order to prevent the rights of the parties to the dispute from being violated. This mechanism in Iranian law is the retrial, and in American law, it is a specialized system for dealing with the claim of innocence of the convicted. The foundations of this mechanism in Iranian criminal law are based on public interest and in accordance with Islamic laws and framework, but in American law it is based on individualism. In both legal systems, there are challenges in this regard; One of the main challenges in the retrial debate is the issuance of erroneous verdicts, which the judge issues based on the documentation. Therefore, this study discusses remote sensing as a tool to help make better decisions in some criminal matters, and it was stated that in many countries around the world that have legal issues and challenges, remote sensing is used as a tool with low error and scientifically supported data. As a result, satellites and other remote sensing technologies are revolutionizing our abilities to look carefully at the most distant parts of the world with a perception beyond our senses and to obtain reliable and inexpensive legal evidence, which in some cases can be the only evidence available. Therefore, the above, along with other reasons, make it timely and necessary to review the use of the aforementioned information as evidence and pay attention to ways to increase its use in legal fields.

Keywords: remote sensing, retrial, criminal affairs, information technology.